

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

از انقلابیون فرانسه: مترجم: گرامی یاد امین سیماب  
ارسالی: سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان (MLOA)  
۱۱ مارچ ۲۰۲۱

## ستم بر زنان در خدمت شیوه تولیدی حاکم روابط مردان و زنان (اولین شکل تقسیم کار)

تقسیم وظایف میان مردان و زنان اولین شکل تقسیم کار است (تقسیم طبیعی کار). این تقسیم وظایف ممکن با پیدایش اولین شکل زندگی اجتماعی انسجام یافته مصادف باشد؛ یعنی مصادف با اجتماع بدوی. زنان به دلیل باردار شدن متواتر و در نتیجه محدودیت تحرک، موظف به کار هائی بودند که ما امروز به آن "کار خانه" اطلاق می نماییم، از قبیل: تربیه کودکان، پخت و پز، دوخت لباس و غیره. مرد موظف به تدارک و تکافوی قوت و لایموت بود. تا زمانی که قوت و لایموت از طریق شکار و چیدن میوه ها تأمین می شد؛ و تا زمانی که تولید اجتماعی متنوع نشده و مبادله به میان نیامده بود، هسته خانواده شکل حاکم اجتماع بوده و زن در آن قدرتمند بود. خانواده ساختار بسیار وسیع داشت و در "جمع" که در آن جفت زن و شوهر استقرار نداشت، شجره خانواده را سلسله زنان تعیین می کرد: اطفال در "جمع" مربوط به مادر شان باقی می ماندند که آن نظام، "نظام مادر سالاری" بود.

اما در یک مرحله بعدی، پیشرفت های تکنیکی، تقسیم مغلق کار در بیرون از خانواده را به بار آورد و نقش اجتماعی مردان، زمانی که مسئولیت گله داری و رمة داری را عهده دار شدند و یا ابزاری از آهن ساخته و به مبادله تولیدات پرداختند، بیش از پیش اهمیت پیدا کرد. مالکیت خصوصی این وسایل تولید تدریجاً به نیروی تعیین کننده مبدل می گشت: "کار های زن در داخل خانه در مقایسه با کار های تولیدی مرد، دیگر به حساب نمی آمد". لذا میراث پدر به "جمع" خود وی برمی گشت و بدین ترتیب به اولادش که در "جمع" مادری باقی می ماندند، نمی رسید. بدین وسیله سلسله عنعنه ئی وراثت به نفع پدر قطع گردید و این مسأله گذار به پدر سالاری را مشخص کرد: "برانداختن حق مادری بزرگ ترین شکست تاریخی جنس مؤنث است".

با به میان آمدن مرد سالاری، زوج به مفهوم زن و شوهر استقرار یافت که در آن، زن به ملکیت مرد مبدل شده و بدین ترتیب، این خانواده جانشین خانواده سابق که دارای پیوند های سست بود، شد. "زن مطیع و ذلیل ساخته شده به موقف برده خواهشات نفسانی مرد و وسیله عادی تولید نسل سقوط کرد".

## روابط در بین خانواده:

در داخل خانواده، زن چندین نوع ستم را متحمل می شود:

- **ستم اقتصادی:** او تولید نسل و بقای خانواده را مستقیماً متحمل شده و موظف به رسیدگی به امور خانه من جمله فرزندان می باشد. در مجموع، کار "اجتماعی" شوهر، وی را قادر می سازد که وسایل لازم برای فعالیت هایش در داخل خانواده را خریداری نماید: پوشاک، ظروف، اسباب، خوراک و غیره؛ که وی آن ها را به تولیدات قابل استهلاک مبدل می سازد.

- **ستم سیاسی:** هر گونه قدرت تصمیم گیری در عرصه زندگی خصوصی (روابط جنسی، نفوذ و حاکمیت بالای اطفال، دخل و خرج) و یا امور اجتماعی، از دست زن خارج ساخته شد.

- **ستم ایدئولوژیک:** روابط متذکره به وسیله ایدئولوژی اطاعت و ارادت تحکیم یافت. پیوند با دین و مذهب، اکثراً آن را تقویت نموده و تا **تنویریزه کردن** فرودستی و مادونی زن پیش می رود. علاوه بر آن، زن موظف است تا آن همه را به اطفال خود انتقال دهد.

یقیناً که تفاوت های بزرگی از یک فرد تا فرد دیگر، و از یک زوج تا زوج دیگر وجود دارد؛ اما ما همه، چه مردان و چه زنان، از این نوع روابط اجتماعی که می توان آن ها را "شیوه تولید خانگی" نامید، متأثر هستیم.

## ستم بر زنان در خدمت شیوه تولیدی حاکم:

این شیوه "نیمه" تولید، با انواع و اقسام مختلف به وسیله تکامل اجتماعی تداوم می یابد. در هر دوره، شیوه تولیدی حاکم، خانواده را تعدیل نموده و آن را دو باره شکل داده و جزء نظام حاکم خود ساخته است. بدین صورت، به خصوص فئودالیسم، خانواده های بزرگ داشت که متشکل از چندین جفت زن و شوهر بوده و در زیر نفوذ سابقه دار ترین آن ها به سر می بردند. مزرعه کوچک فردی به میان آمده و بعد از ۱۷۸۹ (سال انقلاب کبیر فرانسه - مترجم)، آن خانواده بزرگ فئودالی را به خانواده های کوچک تر، متشکل از جفت زن و شوهر، تجزیه کرد.

ولی تا جایی که امروز به سرمایه داری مربوط می شود، سرمایه داری خانواده را به جفت "زن و شوهر" همراه با اطفال صغیر تقلیل داده است. ناگفته نماند که این پروسه ادامه دارد: ما در حال حاضر شاهد گسست و خرد و ریز شدن خانواده هستیم (افزایش میزان طلاق، خانواده های بیش از پیش متشکل از فرزندان مختلف مشروع و نامشروع، زاده چند پدر (اندر) و مادر (اندر)؛ و همچنان توسعه سریع زندگی "مجردی" زنان و مردان) { آنچه در داخل قوس درمورد ترکیب خانواده آورده شده است، تعبیر دقیق افاده متن فرانسوی است که فقط مربوط به جامعه غربی امروز می شود و من با شناخت از این جوامع و فهم موضوع، آن را توضیح نمودم - مترجم }.

در نظام سرمایه داری، علاوه بر پخش ارزش های اساسی آن (انیدیوالیسم یا فردگرایی، اطاعت خانواده های کارگران از مقامات، ذهنیت سودجویی خانواده های بورژوا)، موجودیت خانواده یک منفعت اقتصادی هم دارد: خانواده بورژوا تراکم سرمایه از طریق استثمار غیرمستقیم زنانی را که در خانه باقی می ماند، مساعد می سازد.

زنان مذکور، با رایگان انجام دادن کار خانه، در واقع با مصرف اندک، نیروی کار مردان را دو باره تولید می نمایند؛ چیزی که در غیر آن، بایست توسط انواع و اقسام خدمات اجتماعی (کودکستان ها، کانتین ها، مراکز شستن البسه، مراکز پاک کاری و غیره) انجام می شد.

با وجود این، حتی زمانی که زنان در بیرون از منزل کار نموده و معاش خور هم باشند، باز هم به این معنی نیست که از کار خانه نجات یافته اند. نبود تجهیزات عامه، تقسیم وظایف به اساس جنس (مرد و زن - مترجم) که پایه خود را در

ایدئولوژی حاکم دارد... زنان را به انجام دو روز کار در عین روز وادار می سازد ، بدین معنی که در منزل توسط مردان خانواده زیر ستم قرار دارند؛ در کار بیرون از منزل، کارفرمایان بر آن ها ستم روا می دارند و در نتیجه دو نوع استثمار را از جانب سرمایه داری متحمل می شوند: در کار بیرون و در داخل منزل.

### **رهائی چسان ممکن است؟**

پس ستم پدرسالاری صرفاً بقایای به جا مانده از گذشته نیست، بلکه یک شیوه استثمار و ستم کاملاً زنده و تأمین شده است. این شیوه استثمار و ستم به خودی خود ناپدید نمی گردد. برای نابودی آن، مبارزه سازمانیافته ای با یک طرح تغییر آگاهانه، چه در رابطه با مناسبات در بین اجتماع و چه در روابط میان مردان و زنان، را باید به راه انداخت. آن چنان مبارزه باید توسط زنان طبقه کارگر و خلق به پیش برده شود؛ زیرا آن ها اند که نفع بیشتر در منقلب کردن روابط شخصی میان زن و شوهر دارند.

آن چنان یک مبارزه دستاوردی نخواهد داشت، مگر این که شیوه تولید سرمایه داری را که ستم بر زنان را بازتولید کرده و تداوم می بخشد، از پا درآورده شود. به عکس، مبارزه علیه سرمایه داری نمی تواند بدون سهم گیری زنان خلق... به پیش برده شود. نمی توان به مصاف سرمایه داری با نصف قواء رفت.

**رهائی زنان بدون سوسیالیسم ممکن نیست!**

**سوسیالیسم بدون رهائی زنان ممکن نیست!**

از شماره سوم نشریه "عقاب" ارگان تئوریک - سیاسی «سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان» (MLOA)

جوزای ۱۳۹۱ش / جون ۲۰۱۲م